

<div><div> </div></div>	خوانش	<div><div> </div></div>
خوانش شعری از منصور اوجی		تلفیق عینیت و ذهنیت
* حمیدرضا شکارسی		
ویس از این برف پرندگانی می‌آیند تا در آفتاب بخوانند و من، که چه دورم از آن صبح و چه دور! ^(۱)		
به آینه نگاه می‌کنیم و موهایمان را مرتب می‌کنیم. به آینه می‌نگریم و روسری مان را صاف می‌کنیم. به آینه دقیق می‌شویم و مژه مزاحمی را از داخل چشم خارج می‌کنیم… اما بندرت به خودمان در آینه خیره می‌شویم. کمتر به خودمان زل می‌زنیم. فرصت نمی‌کنیم یا اصلاً خود را به کلی فراموش کرده‌ایم؟		
«منصور اوجی» اما در فرصت این شعر، در آینه به خود خیره مانده است و به برفی که بر او، در آینه باریده است. بدین ترتیب، او فضاسازی شعرش را به انجام رسانده است. در این فضا البته عناصری زاید هم یافت می‌شود که البته به نسبت تعداد کل کلمات، چندان هم کم نیست.		
«نقره» اگر چه هم در ساختمان آینه به کار رفته است و هم تداعی کشنده برف باریده بر سر شاعر است، اما در هر دو حال حشو است. شرکت نقره در ساختمان آینه نکته روشنی است که یادآوری آن کمکی به شعر نمی‌کند و کار تداعی برف هم در سطرهای بعدی حتی بدون حضور نقره به خوبی انجام شده است. کلمه «ملول» نیز شعر را از اجرایی زبانی- تصویری به وضوحی توضیحی کشانده است. وضوحی معناگرایانه و کلی‌گرایانه به شیوه شعر کلاسیک.		
نقطه درخشان این شعر آنجاست که شاعر از برف استعاری ابتدا به پرندگان و آفتابیی پس از برفی واقعی پل می‌زند و به تلفیقی هنرمندانه از ذهنیت و عینیت دست می‌یابد.		
در واپسین بخش شعر، غیبت شاعر در آن صبح آفتابی، ناگفته به نمایش درآمده است. غیبتی که با توجه به نقش استعاری برف (بدل از پیری و حضور در واپسین فصل زندگی) چیزی جز مرگ نمی‌تواند باشد. می‌بینیم که لحن شاعر، اندوه و ملالتی را که پیش از این، شتابزده و ناپخته در قالب یک کلمه (ملول) لو رفته، به خوبی اجرا و منتقل می‌کند. این شعر با وجود کوتاهی، موجز نیست و به جرح و تعدیل و حذف‌هایی نیاز دارد تا به شکل منسجم و فشرده مطلوب برسد. آنگاه نگاه پیرمرد به آینه عمیق‌تر از آن می‌شد که بالا هست!		
(۱) باغ و جهان مردگان- منصور اوجی- نوید شیراز-۱۳۸۲		

	زبان تصویر	
---------------	-------------------	---------------

اگر این نظریه را که در عکاسی هر چیز مکان خود را از دست می‌دهد بپذیریم، آن‌گاه باید بر این آموزه نیز صحنه گذاشت که عناصرو اشیائی که در عکسها ثبت می‌شوند به زندگی نوینی دچار می‌شوند که حاصل معنا بخشی و نامگذاری تازه عکس بر آنهاست.

به عبارتی دیگر موضوع‌ها در مقابل دوربین تعلق خود را نسبت به مکانی که پیش از عکاسی، در آن قرار داشته‌اند، از دست داده و به حیاتی جدید مبتلا می‌شوند که از تجربه‌ها و شهود عکاس در زندگی برمی‌خیزد. در این عکسها عکاس نه به عنوان ناظر بی طرف و ثبت کننده‌ای مستند، که در هیأت یک «مؤلف» ظاهر می‌شود.

عکس «نسیم شیخ نظامی» فضایی خارج از محیط خانه را نمایش می‌دهد که خلوت و آراستگی مهم‌ترین ویژگی آن است. خالی بودن صحنه از حضور آدمها و به جا ماندن عناصر متعددی که بر حضور آنها دلالت می‌کند، رازی است که عکس را زیبا و معنادار کرده است. در برخورد با چنین عکسی دوست داریم به لایه‌های پنهانی عکس سفر و راز آن را کشف کنیم.

عکس، فضایی از یک باغ قدیمی را نشان می‌دهد، بخش اصلی کادر به تختی چوبی اختصاص پیدا کرده که نوع چینش بالشها و زیرانداز نشان از نظمیی انسانی می‌دهد، نشان از حضور آدمهایی که تا همین چند لحظه قبل اینجا بوده‌اند. باغ یی هیچ میوه‌ای، اما آماده باروری در عمق تصویر دیده می‌شود و بار دیگر بر حضور آدمیانی در این صحنه دلالت می‌کند. نور و سایه روشن خورشید روی عناصر صحنه، زمانی برای فراتح، خلوت و آرامش را تداعی می‌کند و از این بابت در پیوندی نزدیک با مفهوم عکس است.

خصوصیت دیگری که در این عکس اهمیت زیادی دارد «عینیت» است. عکس بی اندازه واقعی و عینی است. انگار بی هیچ دخالتی تا طبیعت و فضای پیرامون به صفحه حساس دوربین سپرده شده است تا حاوی پیام و احساسی خاص باشد. عینیت در چنین عکسی پیش از آنکه گول زنده باشد سعی در القای فضایی رویایی و غیر زمینی دارد و باید گفت در این مهم تا اندازه‌ای نیز موفق است.

البته عکس از عناصر اضافی در قاب در امان نمانده است و بررسی عکس این افسوس را در ما ایجاد می‌کند که ای کاش عکاس برای



مدتها بود با خرید بلیت برای تماشای یک فیلم از مسعود کیمیایی به سینما نرفته بودم !اگر هم فیلمهای اخیرش را دیده بودم، یا در نمایش خصوصی بوده و یا در جشنواره فیلم فجر.

اما بر خلاف گذشته، برای تماشای فیلم «محاكمه در خیابان» آخرین ساخته این کارگردان به سینما رقتم. حضور در سالی که تماشاگران سینما از عامه مردم هستند، بیشتر می‌تواند به در ک جایگاه آن فیلم ویا فیلمساز کمک کند.

هر چه به پایان فیلم نزدیک‌تر می‌شودیم، سر و صدای تماشاگران بیشتر می‌شد. چند نفر شروع کرده بودند به بد و بیراه گفتن به سازنده فیلم. صدای هو کردن، سوت زدن و دست زدن هم بلند شده بود. تیتراژ پایان فیلم که شروع شد، خائمی با صدای بلند گفت: «آقای کیمیایی، می‌شه دیکه فیلم نسازید!»

وصیف واکنش تماشاگران عادی آخرین ساخته مسعود کیمیایی به قدر کافی گویای کیفیت این فیلم و کار این کارگردان هست. آنقدر «محاكمه در خیابان» ایرادهای گل درشت داشت که پرداختن به آنها به نظرم کاری بیهوده است و بیشتر وقت تلف کردن. به نظر می‌رسد



این کارگردان با تجربه، خود بسیاری از این ایرادها را می‌داند اما چرا از کنارشان به این سادگی می‌گذرد…!

اگر منتقدان، نقدهای تندی علیه این فیلم نوشته بودند و تماشاگران از آن تعریف کرده بودند، می‌شد سر این موضوع بحث کرد

و این فاصله‌ای است که میان فیلم‌شناسی یک تماشاگر متخصص و سخت گیر سینما یا یک تماشاگر عادی وجود دارد. اما در خصوص «محاكمه در خیابان» به هیچ‌وجه این گونه نیست.

افت فیلمسازی مسعود کیمیایی سالهاست آغاز شده است و به نظر می‌رسد سال به سال این موضوع بیشتر مشخص می‌شود. بخصوص از فیلم «اعتراض» به بعد که آن هم فقط به بین وجود چند دیالوگ به یاد ماندنی می‌تواند در زمره آثار قابل تأمل این کارگردان قرار گیرد، تقریباً تمام فیلمهای بعدی این کارگردان را فیلمهایی سر گیجه‌آور با فضاها و آدمهای غیر واقعی و دیالوگهای نامأنوس می‌بینیم که مشخص نیست دلیل ساخت آنها چیست؟

مهمترین مشخصه همه این فیلمها وجود تعداد زیادی بازیگر مطرح و چهره است که هر کدام نقش کوتاهی دارند که فرد دیگری هم

می‌تواند آن نقش را ایفا کند و چندان نقش خاصی نیست که حتماً به یک بازیگر ستاره نیاز داشته باشد.

از لحاظ فیلمنامه هم این فیلمها آنقدر مشکلات ریز و درشت دارد که باورنکردنی است. به طور مثال، در فیلم «محاكمه در خیابان» داستان فیلم از جایی آغاز می‌شود که مرد جوانی که روز ازدواجش است، از طریق یکی از دوستانش متوجه می‌شود که نامزدش با مردی زن و بچه‌دار رابطه داشته است و مسائل بعدی آن که باعث به هم ریختن زندگی آن زوج شده است.

اما در پایان، این عروس خانم چنان راحت تیره می‌شود و همه چیز به خوبی و خوشی تمام می‌شود که مشخص نمی‌شود چنین خیر عجیبی از کجا نشأت گرفته و اصلاً بر چه اساسی باید آن را رد کرد یا پذیرفت!

یکی از به ظاهر سنت شکنی‌های کیمیایی در این اثر، استفاده از چند داستان است که این داستانها به مرور به هم مربوط می‌شوند. اما کمی مقایسه میان فیلمنامه این فیلم با کارهای موفق جهانی از جمله سه فیلم آنلاندرو اتمبار و یا فیلم تصادف ساخته پل هگیس و حتی نمونه‌های ایرانی که اقتباسهای نسبتاً خوش ساختی از کارهای خارجی هستند، از جمله «کافه ستاره» و «تقاطع»، بیشتر می‌توان به ضعف مفرط فیلمنامه «محاكمه در خیابان»پی برد.

ایرادهای بسیار مشخص کارگردانی نیز در این فیلم آنقدر زیاد است که از یک کارگردان با تجربه که سابقه بیش از ۴۰ سال کار در سینما را دارد، بسیار عجیب و باورنکردنی است. به طور مثال، اوتومیل در یک بزگرراه که در طرفین آن برچها سر به فلک کشیده‌اند، در حال حرکت است؛ اما زمانی که توقف می‌کند آن را در یک منطقه سرسبز بیابانی می‌بینیم که حتی آسان‌گیرترین تماشاگر سینما هم متوجه این ایراد می‌شود.

کیمیایی که زمانی معروف بود به کشف استعدادهای جدید در سینما، ظاهر او در این فیلم هم با معرفی دو بازیگر جدید سعی داشته به این روند ادامه دهد.

اما همین دو بازیگر به دو عنصر بسیار آزار دهنده در فیلم تبدیل شده‌اند؛ بخصوص بازیگر مردی که نقش شریک محمد رضا فروتن را بازی می‌کند، در صحنه‌ای که او را چاقو می‌زند، چنان تقابلش با فروتن ناهمگون و غیر یکسان است که به خوبی می‌شود متوجه شد چه کسی بازیگر است و چه کسی نیست.

طبق روال فیلمهای اخیر کیمیایی، بازیگران مطرح فیلم نقش چندانی بازی نمی‌کنند و فقط مدتی از جلو دوربین رد می‌شوند، بدون اینکه نقششان خیلی روی تماشاگر تأثیر بگذارد و اتفاقی بیفتد و البته طبق معمول هم بازیگر اصلی فیلم، پولاد کیمیایی است و همه اتفاقها به او مربوط است و همه چیز به او ختم می‌شود.

اما نقش مهم چاقو هم در این فیلم کاملاً مشهود است و پس از دو فیلم «مک» و «تربس» که همراه با هفت تیر کشی بود، مسعود کیمیایی دوباره به سنت دیرین خود باگشته است و در این فیلم همه به روی هم چاقو می‌کشند.

سیاه و سفید فیلمبرداری شدن این فیلم هیچ دلیل خاصی ندارد و در فیلم مشخصه خاصی نیست که این شکل فیلمبرداری را توجیه کند. در این میان شاید پلانهای فیلم که دوربین از بالا عبور خودرها از بزرگراه را نشان می‌دهد و سپس چرخشی سر گیجه‌آور دارد و آنها را در پایان پلان وارونه می‌بینم، خود به اندازه کافی گویای وضعیت آخرین ساخته کیمیایی می‌باشد که هر تماشاگری از این فیلم و ایرادهایش دچار سر گیجه‌ای اساسی خواهد شد و از دیدنش هم به شدت پشیمان.

*** نرسنگ خرقانی**

در طبیعت بهره می‌برد و برای تکرار و بازآفرینی آنها تلاش می‌کند.

رنگ
عکس از حیث تالیته و رنگ حاکم بر صحنه، احساسی خوشايند را از هميشه‌ی قمرها، زرها و سبزه‌ها ايجاد می‌کند. به این مسأله باید نور مناسب صحنه را نیز افزود که موجب ايجاد اکسپوزی زیبا شده است، اما در سایه قرار گرفتن بخشی از درختان در پس‌زمينه، به از دست رفتن بافت آنها انجامیده، اما در واقع فضای جادویی عکس مدیون نواهی نمایی بری و تالاول‌نور خورشید از لابه‌لای ابرهاست. ابرها در این صحنه‌ای به مثابه یک تلمیح‌کننده بزرگ به کار آمده‌اند و درجه اشباع رنگها را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

این نور تلمیح شده توسط ابرهای پراکنده در برخی از نقاط عکس به ايجاد بافتی زیبا انجامیده که شبیه نقاشی است.

استفاده آگاهانه عکاس از دیافراگم‌های بسته و هدایت نور از مرکز نوری عدسی به ايجاد خلوص در رنگها نیز کمک شایانی کرده است.

زاویه دید

محل قرار گیری دوربین بیش از آنکه در ترسیم پرسپکتیو و رابطه میان پیش‌زمینه و پس‌زمینه عکس نقش داشته باشد به تبیین فلسفه عکاس می‌پردازد.

زاویه دید بسیار زیاد دوربین به اختصاص بخش محدودی از تخت در پیش‌زمینه و نمای نامحدودی از درختان در پس‌زمینه انجامیده است، در چنین نمایی عکاس به عنوان ناظری که خود یکی از حاضران روی تخت است، معرفی می‌شود. از این زاویه دید می‌توان چنین استنباط کرد که عکاس در نقش یک «راوی منتظر» آشکار شده که در انتظار حضور آدمهای غایب صحنه زندگی‌اش است.

هدف و مؤخره

عکس از حضور غایب آدمها خبر می‌دهد. به ما می‌گوید همین نزدیکی‌ها زندگی آرام و با متانتی در جریان است که ما نشانه‌هایی از آن را می‌توانیم در گوشه‌ای از این باغ پیدا کنیم. گویی عکاس پشت به روزمرگی، و رو به خلوتی بزرگ ایستاده است که همان معنا و مفهوم حیات است. عکس بی هیچ درنگی ما را به یاد جمله‌ای نغز از Paul Martin Lesterمی‌اندازد که: «عکاس به راستی آگاه است که لحظه‌های کوچک در زندگی، بیانگر حقایق بزرگ‌تر هستند»

<div><div> </div></div>	خبر	<div><div> </div></div>
اهدای نشان دولتی اسپانیا به مورا کامی		اهدای نشان دولتی اسپانیا به مورا کامی
دولت اسپانیا «هاروکی مورا کامی» نویسنده ژاپنی را برنده نشان هنر و ادبیات این کشور اعلام کرد.به گزارش ایسنا، این جایزه به نویسنده‌ای با بیانی بی‌تقلیر که خالق آثار ادبی و مرجمی در ادبیات معاصر است، اهدا می‌شود. مورا کامی ۶۰ ساله برای داستانهایش در مورد پوچی و تنهایی زندگی مدرن مشهور است. کتاب‌های او به ۴۰ زبان ترجمه شده‌اند و از میان آنها می‌توان به «جنگل نورزی» و «کافکا در ساحل» اشاره کرد.آخرین کتاب او به نام «۱ کیوی ۸۴» پس از انتشار در ماه می در ژاپن بلافاصله به پرفروش‌ترین کتاب تبدیل شد.		تابلوی نقاشی ون گوگ بهترین تابلو رنگ روغن ۲۰۰۹
سایت آن‌لاین یک کاربری هنری اخیراً با انتشاری خبری تابلوی نقاشی «شب پر ستاره» ون گوگ را بهترین تابلوی رنگ روغن سال ۲۰۰۹ اعلام کرد.به گزارش فارس، این سایت معروف هر ساله لیست ۱۰ تابلوی رنگ روغن برجسته را منتشر می‌کند.تابلوی معروف «کافه تراس در شب» اثر دیگر ونسان ون گوگ همچنین رتبه نهم این لیست را دارا است.تابلو شب پرستاره مربوط به سال ۱۸۸۹ معمولاً بهترین شاهکار رنگ روغن در سالهای گذشته انتخاب شده است.یکی از مدیران این سایت هنری می‌گوید: آثار ون گوگ همواره از شهرت و محبوبیت بالایی برخوردارند. از این آثار در مقایسه با آثار هنرمندان دیگر می‌توان با نام «شاهکار» یاد کرد. این سایت فهرست ۱۰ تابلوی برتر را هر ساله بر اساس تعداد فروش این تابلوها در سطح جهان اعلام می‌کند. این سایت تنها در سال جاری ۴۵هزار تابلو رنگ روغن به فروش رساند.		آثار Claude Monet, Pierre Auguste Renoir و پابلو پیکاسو به ترتیب رتبه‌های چهارم، پنجم و ششم را در این فهرست دارند.
دبیر علمی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر:		دبیر علمی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر
دنیا فهم صحیحی از ادبیات معاصر ایران ندارد		دبیر علمی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر
دبیر علمی چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر با بیان این که دنیا فهم صحیحی از ادبیات معاصر ایران ندارد و مهدی اخوان ثالث و قیصر امین پور لایق جایزه نوبل بودند، گفت: این جشنواره به بی‌آن است که شعر پارسی را، به رخ جهانیان بکشاند.مرتضی امیری علمی نخستین اظهاراتش پس از انتصاب به سمت دبیری چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر، در گفتگو با فارس، گفت: تمام تلاش ما در این دوره مصروف به شناخت شعر پارسی است و این جشنواره بیشتر از آنکه به دنبال این باشد که چه کسی نفر اول است می‌خواهد آید تا به رخ بکشد و اثبات کند که کلام در ایران و بلکه در تمام جهان هنوز در رتبه نخست قرار دارد و حرف اول را می‌زند.استفاده از قیصر امین‌پور به عنوان یکی از شاعران طراز اول شعر پارسی یاد کرد و گفت: می‌تواند نویلست بود که در جوانی به واسطه شعرهای پراسته و بلندش می‌توانست به بلندای شعر جهان قرار بگیرد از او که بگذریم اخوان ثالث به طور قطع یک نویلیست بود.وی از توجه به اشعار محلی در این دوره از جشنواره شعر فجر به عنوان یکی از رویکردهای جدی و جدید یاد کرد و گفت: تمام استانها موظف شده‌اند که شعرهای محلی را تحویل بگیرند و آن را بررسی کنند و در جشنواره‌های استانی‌شان با دعوت از آن شاعران، شعرهایشان را نقل و نقد کنند. این شاعر و قصیده سرای فحل در ادامه با اشاره به معیارهای انتخاب داوران، یادآور شد: انتخاب داوران که از وظایف تخصصی من به عنوان دبیر علمی این جشنواره است با توجه به این مسأله مهم که سرانجام شعر همچون سایر هنرها داوری آسان ندارد، صورت می‌پذیرد.		«رومن پولانسکی» وارد حبس خانگی شد
«رومن پولانسکی» با آزادی مشروط از زندان سوئیس، وارد حبس خانگی در یک منزل معمولی در شهر سوئیس گستاد شد.		«رومن پولانسکی» وارد حبس خانگی شد
به گزارش فارس، این فیلمساز لهستانی تبار سینما با پرداخت یک وثیقه ۵/۴ میلیون دلاری موفق به رهایی موقت از زندان شده است. به گفته مقامهای محلی، پولانسکی اجازه خروج از منزل موقت خود را ندارد و تمام رفتارهای وی توسط دوربینهای مخفی تحت کنترل است. وی برای مدت نامعلومی در حبس خانگی خواهد بود، تا مسؤولان رسمی سوئیس تصمیم بگیرند وی را به آمریکا مسترد و یا این که او را آزاد کنند.مقامات محلی سوئیس پولانسکی را از گفتگو با رسانه‌های گروهی منع کرده‌اند و از رسانه‌ها، خبرنگاران و عکاسان خواسته‌اند در اطراف محیط حبس خانگی این فیلمساز حضور پیدا نکنند.		صدایشکی «لئونارد دی کاپریو» در انیمیشن «محافظان»
«لئونارد دی کاپریو، بازیگر هالیوودی در انیمیشن «محافظان» صدایشکی خواهد کرد. به گزارش ایسنا، این پروژه سینمایی توسط شرکت فیلمسازی «دریم‌ورکز» به تهیه و تولید خواهد رسید.انیمیشن محافظان برای اکران در دوم نوامبر (اواسط آذر) سال ۲۰۱۲ میلادی آماده خواهد شد. بنابر این گزارش کریستینا استینگر، با همکاری «نانسی برنستین» تهیه و تولید فیلم انیمیشن را برعهده خواهند داشت. داستان این فیلم علمی – تخیلی زندگی چند ابر قهرمان را به تصویر می‌کشد که از قدرتهای ویژه‌ای برای محافظت از جان افراد برخوردار هستند.		اشعار «آکن یو» حراج شد
کتاب مجموعه شعر ادگار آلن پو، شاعر و داستان‌نویس آمریکایی با قیمت ۶۶هزار و ۵۰۰دلار در حراجی کریستی به فروش رسید.		اشعار «آکن یو» حراج شد

قیمت ۶۶هزار و ۵۰۰دلار در حراجی کریستی به فروش رسید.

این کتاب یکی از نسخه‌های اولین چاپ آن است که مربوط به سال ۱۸۲۷ می‌شود. این نسخه در حراجی کریستی، به فروش رسید و رکورد جدیدی در فروش کتاب اشعار مربوط به قرن ۱۹ به دست آورد. این کتاب شعر که جزو اولین کتابهای پو از زمان آغاز زندگی نویسندگی اش است، «تیمبرلین» نام دارد. این کتاب را یک گردآورنده آثار هنری آمریکایی خریداری کرده است. مدیران حراجی کریستی نام او را فاش نکردند.

کتاب مجموعه شعر ادگار آلن پو، شاعر و داستان‌نویس آمریکایی با قیمت ۶۶هزار و ۵۰۰دلار در حراجی کریستی به فروش رسید.
این کتاب یکی از نسخه‌های اولین چاپ آن است که مربوط به سال ۱۸۲۷ می‌شود. این نسخه در حراجی کریستی، به فروش رسید و رکورد جدیدی در فروش کتاب اشعار مربوط به قرن ۱۹ به دست آورد. این کتاب شعر که جزو اولین کتابهای پو از زمان آغاز زندگی نویسندگی اش است، «تیمبرلین» نام دارد. این کتاب را یک گردآورنده آثار هنری آمریکایی خریداری کرده است. مدیران حراجی کریستی نام او را فاش نکردند.

کتاب مجموعه شعر ادگار آلن پو، شاعر و داستان‌نویس آمریکایی با قیمت ۶۶هزار و ۵۰۰دلار در حراجی کریستی به فروش رسید.
این کتاب یکی از نسخه‌های اولین چاپ آن است که مربوط به سال ۱۸۲۷ می‌شود. این نسخه در حراجی کریستی، به فروش رسید و رکورد جدیدی در فروش کتاب اشعار مربوط به قرن ۱۹ به دست آورد. این کتاب شعر که جزو اولین کتابهای پو از زمان آغاز زندگی نویسندگی اش است، «تیمبرلین» نام دارد. این کتاب را یک گردآورنده آثار هنری آمریکایی خریداری کرده است. مدیران حراجی کریستی نام او را فاش نکردند.

<div><div> </div></div>	آگهی ابلاغ اضاربه به نضراله یمن آبادی ف محمود شاکي حميد مقری بطرفیت شما به اتهام ايراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی وانندگی شکایتی را مطرح نموده که پس از ارجاع به شعبه ۱۱۳۳ دادگاه عمومی تهران مستقر در مجتمع قضایی شهید محلاتی و ثبت به تاریخ ۸۸/۱۰/۲۶ وقت رسیدگی برای تارسخ ۸۸/۱۰/۳۰ صبح تعیین گردیده است.پلحفاظ مجهول‌المکان بودن شما و بنا به درخواست شاکي و به استناد به مواد ۱۱۵ و ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا جهت رسیدگی به دعوی شاکي در دادسرا حاضر شوید. ضمناً قبل از رسیدگی می‌توانید به دفتر شعبه اول دادیاری مراجعه و ضمن اعلام آدرس جدید خودراژ موضوع شکایت مطلع شوید. در صورت عدم حضور دادگاه اتخاذ تصمیمی خواهند نمود. ۳۶۱۵۹ ۱۲۶۶۶۲ مدیر دفتر شعبه ۱۱۳۳ دادگاه عمومی تهران	<div><div> </div></div>
---	--	---